

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات ۳۶۷ تا ۳۸۳

مطالعه تطبیقی اوصاف شیء در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا در حقوق ایران و فرانسه

علیرضا یزدانیان

دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(Email: Dr.alireza_yazdanian@yahoo.com)

سید محمدهادی مهدوی

استادیار دانشکده فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران
(Email: hadimahdavi@yahoo.com)

رضا عباسیان

استادیار دانشکده فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران
(Email: abbasian_reza37@yahoo.com)

نیوشا مصلی نژاد*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸)

چکیده

فعل ناشی از اشیا مانند فعل زیان بار انسان می تواند موجب مسئولیت کسانی شود که آن ها را در اختیار دارند. قانون مدنی فرانسه در زمان تصویب خود، اصل کلی مسئولیت ناشی از اشیا را پیش بینی نکرد و تنها در مواد ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، مسئولیت خسارات ناشی از حیوانات و ساختمان ها را لحاظ نمود. اما در اواخر قرن نوزدهم، بر مبنای تفسیر بند ۱ ماده ۱۳۸۴ این قانون، این اصل در قلمرو مسئولیت قرار گرفت. در حقوق ایران نیز مواد ۳۳۳، ۳۳۴ قانون مدنی، همچنین موادی از قانون مجازات اسلامی مانند ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۸ و ۵۳۴ و ماده ۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث به شناسایی این مسئولیت پرداخته است؛ بدون آنکه به اوصاف شیء در ایجاد مسئولیت بپردازد. هدف از تنظیم این مقاله آن است که با مطالعه تطبیقی بیان گردد. در مسئولیت شیء، تفاوتی نمی کند شیء جان دار یا بی جان، خطرناک یا غیر خطرناک، منقول یا غیرمنقول و ساکن یا متحرک باشد؛ حتی ضرورتی ندارد شیء از جانب انسان هدایت و اداره شده باشد و در صورت وجود ارکان مسئولیت مدنی، فعل زیان بار شیء می تواند سبب مسئولیت دارندگان آن شود.

واژگان کلیدی

اوصاف اشیا، فعل اشیا، مسئولیت دارندگان اشیا.

Email: mosalla_niusha@yahoo.com

* نویسنده مسئول، فکس: ۰۲۱۸۸۹۷۵۸۶۲

مقدمه

فعل ناشی از اشیا (Le fait des choses) می‌تواند موجب مسئولیت کسانی شود که مالک آن‌ها هستند یا آن‌ها را در اختیار دارند. در جوامع امروزی، بسیاری از خسارات به واسطه اشیا ایجاد می‌شود. در حقوق فرانسه، کمی بیش از یک قرن پیش، رویه قضایی اصل کلی مسئولیت ناشی از فعل اشیا (La responsabilité du fait des choses) را شناسایی کرد (Hourdeau-Bodin, 2013, p.4). قانون مدنی فرانسه در زمان تصویب خود (۱۸۰۴م)، اصل مسئولیت به علت فعل ناشی از اشیا را پیش‌بینی نکرده بود و تنها به اصل کلی مسئولیت ناشی از فعل دیگری پرداخته بود (Cathelineau, 2013, p.4) و در مبحث دوم از فصل چهارم و در هنگام وضع مواد درباره جرم و شبه جرم به مسئولیت خسارات ناشی از حیوانات (ماده ۱۳۸۵) و ساختمان‌ها (ماده ۱۳۸۶) به علت گستردگی خسارات از سوی این دو گونه اشیا اکتفا نموده، دیگر اشیا مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته بود (Carbonnier, 1998, p.261). در اواخر قرن نوزدهم بر مبنای بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، اصل کلی مسئولیت ناشی از اشیا در قلمرو مسئولیت ظهور کرد. این بند مقرر می‌دارد: «هرکس نه‌تنها مسئول زبانی است که با عمل خود به دیگری وارد آورده است، بلکه مسئول زیان‌های وارد شده توسط اشخاصی که مسئولیت آن‌ها را عهده‌دار است یا اشیایی که نگهداری از آن‌ها را پذیرفته است نیز می‌باشد» (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

با توجه به عمومیت اصل مسئولیت ناشی از اشیا، هر شیئی در قلمرو بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه قرار می‌گیرد (Cathelineau, 2013, p.12)؛ به استثنای اشیایی که مقررات خاصی دارند. برای مثال، خسارات ناشی از حوادث رانندگی (Les accidents de la circulation) به موجب قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ می‌باشد و بند ۱ ماده ۱۳۸۴ اعمال نمی‌شود. تنها برخی اشیا بدون مالک در قلمرو این ماده قرار نمی‌گیرند، زیرا تحت نگهداری هیچ‌کس نیستند؛ مانند برف یا لایه یخ (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷).

شرایط قاعده کلی مسئولیت ناشی از اشیا عبارت‌اند از: وجود فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین آن‌ها، و این مسئولیت در صورت تحقق این سه شرط قابل اجراست. در حقوق ایران نیز قانون‌گذار بدون بررسی اوصاف شیء در مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیا، در مواد مختلف قانون مدنی (۳۳۳ و ۳۳۴)، قانون مجازات اسلامی (۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸،

۱. قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ موسوم به «حوادث رانندگی»، در چهار فصل و ۴۸ ماده به تصویب رسید که اصول کلی آن در ۶ ماده نخست ذکر شده است. حقوق دانان فرانسوی استقلال قانون حوادث رانندگی را از قواعد عمومی مسئولیت مدنی پذیرفته‌اند (Viney, Jourdain, 1988, p.650).

۵۲۲، ۵۲۸ و ۵۳۴)، قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (ماده ۱) به این مسئولیت اشاره کرده است و شیء جان‌دار (حیوان) یا بی جان (ساختمان، وسیله نقلیه موتوری زمینی)، خطرناک یا غیرخطرناک، منقول یا غیرمنقول، ساکن یا متحرک را در صورت تحقق شرایط مسئولیت مدنی ناشی از اشیا، موجب مسئولیت مالک یا نگهدارنده آنها دانسته است.

ضرورت توجه به مسئولیت مدنی ناشی از اشیا، از آنجایی است که امروزه کمتر می‌توان خساراتی را یافت که در ورود آن شیء دخالت نداشته باشد. استادان بزرگ حقوق ایران در کتاب‌های مسئولیت مدنی به صورت کلی به موضوع مسئولیت مدنی ناشی از اشیا پرداخته‌اند، اما بیان قواعد در این خصوص و شرح و بسط آن هیچ‌گاه به قلم کشیده نشده است. نبود یک نگاه تطبیقی در کتاب‌های مسئولیت مدنی در این زمینه کاملاً آشکار بود که سعی بر این شد با چنین نگاهی و با توجه به حقوق فرانسه و رویه قضایی و دکترین این کشور، مطالعه و نتایج بررسی شود که در این خصوص در کتاب‌ها، مقالات و تحقیق‌های صورت‌پذیرفته سابقه‌ای به چشم نمی‌خورد و اگر هم مواردی بیان شده، به صورت کلی و نه بیان قواعد به نحو جزء به جزء بوده است.

هدف از تدوین این مقاله، بررسی تطبیقی اوصاف شیء در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا و لزوم مسئول دانستن مالک یا نگهدارنده در خصوص زیان‌هایی است که به وسیله اشیا متعلق به وی به دیگری وارد آمده است. بنابراین این مقاله در پنج قسمت به مطالعه اوصاف شیء (جان‌دار یا بی جان، خطرناک یا غیرخطرناک، منقول یا غیرمنقول، ساکن یا متحرک و نیز عدم لزوم هدایت و اداره انسان) در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا پرداخته است.

شیء جان‌دار و بی جان (La chose animée et inanimée)

در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا فرقی بین شیء جان‌دار (حیوان) یا بی جان (جسم) نیست (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۷۶)؛ بنابراین دارندگان این اشیا در صورت تحقق زیان، مسئول شناخته می‌شوند. در حقوق مدنی فرانسه به موجب مواد ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، مسئولیت ناشی از این دو گونه اشیا مقرر شده است. همچنین مسئولیت ناشی از حوادث و تصادفات رانندگی به موجب قانون حوادث رانندگی مصوب ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ اعلام گردیده است. مسئولیت ناشی از اشیا جان‌دار و بی جان، از زمان تصویب قانون مدنی آن کشور مصوب ۱۸۰۴م، پیش‌بینی شده و آرای بسیاری در خصوص این مسئولیت در رویه قضایی صادر گردیده است. آرای مشهور به تفن (Teffaine) و ژاندور (Jand'heur) که اولی در ۱۶ ژوئن ۱۸۹۶ از سوی شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه و دومی در ۱۳ فوریه ۱۹۳۰ از جانب هیئت عمومی همان دیوان صادر شد، در شناسایی

مسئولیت ناشی از اشیای بی جان نقش مهمی داشت. رأی اول دربارهٔ مسئول شناختن کارفرمایی بود که کارگرس به علت انفجار دیگ بخار یک کشتی یدک‌کش، جان باخته بود. به این ترتیب، دیوان عالی کشور، کارفرما را در حالی مسئول دانست که هیچ تقصیری از وی به اثبات نرسیده بود. رأی دوم در خصوص یک حادثهٔ رانندگی بود (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). در این رأی دیوان عالی کشور، بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی را در زمینهٔ تصادفات اتومبیل اعمال کرد و تمایز بین اشیای را در مورد اعمال این بند نپذیرفت (Cathelineau, 2013, p.11). همچنین در رأی دیگر، لباس بارانی یک عابر پیاده، شیئی دانسته شد که می‌تواند موجب مسئولیت نگهدارندهٔ آن شود (گیر کردن دستگیرهٔ ترمز یک موتورسیکلت به جیب بارانی که موجب سرنگونی موتورسوار شده بود) (دادگاه رن (Rennes)، ۲۰ ژوئن ۱۹۷۵) (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). در خصوص مسئولیت ناشی از فعل حیوان (L'animal) نیز می‌توان به رأی شعبهٔ اول مدنی ۱۹ ژوئن ۱۹۸۵ اشاره کرد. در این رأی آمده است: «کسی که خودش یا به واسطهٔ کارگرنش و به مقتضای حرفه‌اش، استفاده‌ای از حیوان می‌برد، باید بنا به مفهوم ماده ۱۳۸۵ به عنوان استفاده‌کننده از حیوان تلقی شود و به جای مالک آن، نگهدارندهٔ آن است. همین‌طور است وقتی که حیوان به یک نعل‌بند سپرده شده باشد» (همان، ص ۱۴۵).

در حقوق ایران، ماده ۳۳۴ قانون مدنی، مالک یا متصرف حیوان را در صورتی که در حفظ آن تقصیر کرده باشد، مسئول خساراتی می‌داند که از ناحیهٔ حیوان وارد می‌شود. همچنین ماده ۳۳۳ همان قانون، صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه را در صورت ایجاد خسارات از خرابی آن‌ها، مشروط بر اینکه خرابی در نتیجهٔ عیبی حاصل گردد که مالک از آن آگاه بوده یا از مراقبت نکردن او تولید شده، مسئول شناخته است. در قانون مجازات اسلامی به مواد ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۱۶، ۵۱۷ و ۵۲۲ می‌توان اشاره کرد. همچنین به موجب ماده ۱ قانون بیمهٔ اجباری، مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیهٔ موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، جبران کامل خسارت زیان‌دیده در حوادث رانندگی برای دارنده، مسئولیت بدون تقصیر ایجاد کرده، اثبات بی‌تقصیری او در مسئولیت وی مؤثر نیست. هدف اصلی قوانین ویژهٔ مسئولیت رانندگی، رهایی از قیدهای اصل تقصیر و ایجاد مسئولیت محض به سود زیان‌دیدهٔ حوادث رانندگی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۰۵). به موجب این مواد، اشیای مختلف جان‌دار و بی‌جان موجب مسئولیت دارندگان آن‌ها شناخته شده است.

شیء خطرناک و غیرخطرناک (La chose dangereuse et non dangereuse)

در مسئولیت مدنی ناشی از اشیاء، میان شیء خطرناک و غیرخطرناک نباید تفکیک قائل شد. در

فرانسه، تا پیش از تصویب مقررات بند ۱ ماده ۱۳۸۴، دادگاه‌ها با استفاده از تفکیک بین اشیای خطرناک و غیرخطرناک، مالک اشیای خطرناک را مقصر فرض می‌کردند. پس از تصویب بند ۱ ماده ۱۳۸۴، برای تقسیم مسئولیت بین مالکان اشیای مختلف، خسارت را بر مالک شیء خطرناک تحمیل می‌کردند. اولین اقدام در رأی مشهور ژاندور (Jand'heur) بود که دیوان عالی فرانسه در ۱۹۲۷م، تفسیر مضیق بند ۱ ماده ۱۳۸۴ و ماده ۱۳۸۵ را در قلمرو اعمال این مواد پیشنهاد کرد و در مورد خسارات ایجادشده از سوی شیء، اعمال بند ۱ ماده ۱۳۸۴ را پذیرفت (Viney, 1988, p.611). تفکیک و شناسایی شیء خطرناک از غیرخطرناک در عمل، دشواری ایجاد کرده بود، دیوان عالی فرانسه در ۱۲ فوریه ۱۹۳۰ اعلام کرد: مسئولیت ناشی از اشیاء، به نگهداری شیء مربوط است نه به خود شیء (Prosser, 1971, p.505). همچنین، تمایز بین اشیای خطرناک و غیرخطرناک، از سوی دکتربین مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا همه اشیاء با استفاده بد و نادرست، می‌توانند خطرناک باشند و دسته‌بندی اشیاء به خطرناک و غیرخطرناک، مشکل خواهد بود. در طول سال ۱۹۳۰م، این تمایز در توجیه اعمال کردن یا نکردن بند ۱ ماده ۱۳۸۴ به ندرت کاربرد داشت و این ماده در خصوص خسارات ایجادشده از جانب اشیایی که هیچ خطر خاصی هم ندارند، اعمال گردید. همچنین، برای اعمال ماده ۱۳۸۵ و مسئولیت مدنی ناشی از فعل حیوان، تمایز بین حیوانات خطرناک و غیرخطرناک، هرگز پیشنهاد نشد (Viney, Jourdain, 1988, p.611- 625).

در حقوق ایران در مسئولیت مدنی، بین اشیای خطرناک و غیرخطرناک تفاوتی مطرح نشده است. امروزه اشیای خطرناکی به بازار آمده که به کار بردن آن‌ها یا تخصص می‌خواهد یا مستلزم رعایت فنون و احتیاط‌های ویژه است. کالای فروخته شده اگر درست به کار گرفته شود، عیبی ندارد، ولی استعمال نابجای آن زیان‌بار است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶۴۲). تولید کالای خطرناک را نباید با تولید کالای معیوبی که خطر آفرین شده است اشتباه کرد. هرچند هر دو تولید از نظر خطر سازی به یکدیگر شبیه‌اند و کالای معیوب نیز در اثر عیب در طرح یا تولید یا نقص اطلاعات، به صورت کالایی خطرناک در می‌آید، تفاوت‌های آشکار این دو مفهوم را نیز نباید از نظر دور داشت. خطر ناشی از کالای خطرناک ذاتی است و به بی‌مبالاتی و تقصیر در جریان تولید ارتباط ندارد؛ درحالی که خطر کالای معیوب عرضی و ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف‌کنندگان است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶). هر جا که نوع فعالیت یا شیء خاص متضمن ایجاد خطر باشد، مقررات خاصی تدوین شده است. برای مثال، آیین‌نامه حفاظتی تأسیسات و ماشین‌های اهره چوب‌بری مصوب ۱۳۴۲ش و همچنین آیین‌نامه حفاظتی مواد خطرناک، مواد قابل اشتعال و مواد قابل انفجار مصوب ۱۳۴۲ش، مقررات ویژه‌ای را در خصوص استفاده و نگهداری این مواد تدوین کرده است

که انجام ندادن آن تقصیر شمرده می‌شود. این مقررات با توجه به خطری که اشیا یا مواد شیمیایی ایجاد می‌کنند، تدوین شده و به‌این ترتیب، ویژگی شیء از حیث ایجاد خطر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. ممکن است گفته شود با توجه به الزام کلی مالک در حفاظت و نگهداری از اموال خود، وی مسئول کلیه خساراتی است که بر اثر مراقبت نکردن از اشیا تحت تملک او به‌وجود می‌آید. بنابراین مالک موظف است که از هر شیء، با توجه به ماهیت و خصوصیت آن نگهداری کند و هرگاه در انجام این تکلیف کوتاهی نماید، مرتکب تقصیر شده است (نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳). در تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی که عبارت‌اند از: «نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب‌رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره ۱ این ماده است» و در تبصره پیش‌گفته مقرر شده است: «نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود». تقصیر مالک در نگهداری از اشیا خطرناک مفروض دانسته شده است.

شیء منقول و غیر منقول (La chose meuble et immeuble)

در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا و اعمال بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، بین اموال منقول و غیرمنقول^۱ فرقی نیست؛ مگر در مواردی که خسارت از ویرانی ساختمان حاصل شده باشد که ماده ۱۳۸۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «در صورتی که ویرانی ساختمان ناشی از تقصیر مالک در نگهداری آن یا به علت عیب (نقص) ساختمان باشد، مالک، مسئول خساراتی است که از ویرانی ساختمان وارد می‌شود». در ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، ساختمان (Le batiment) در معنای اعم به کار رفته است. رویه قضایی نیز ساختمان را مجموعه‌ای از مواد و مصالح می‌داند که به صورت غیرمنقول درآمده است. به‌موجب آرای صادره از دادگاه‌های فرانسه، این تعریف، اموال غیرمنقول دیگر نظیر درختان، گیاهان کاشته‌شده در زمین و صخره‌ها را از شمول ماده ۱۳۸۶ خارج می‌سازد، اما لزوماً ساختمان‌های با کاربری مسکونی را دربر نمی‌گیرد و شامل انواع ساختمان می‌شود. ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه در خصوص

۱. منقول واژه‌ای عربی و اسم است و در معانی ذیل آمده است: ۱. اسم مفعول نقل، نقل‌شده، جابه‌جا شده، حمل‌شده ۲. (مال) غیر ثابت، قابل حمل، منقول ۳. نسخه‌برداری شده، رونوشت شده ۴. ترجمه‌شده ۵. روایت‌شده، نقل‌شده. اموال (املاک) غیرمنقوله: دارایی غیرمنقول (قیم، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶۶). در اصطلاح حقوقی، منقول عبارت‌اند از: الف) اصطلاح خلاصه‌شده از اصطلاح مال منقول ب) لفظ مشترک که از معنی اولیه خود دور افتاده است و در قسمتی از معنی خود به کار رود؛ مانند دابه که نخست به معنای جنبنده بود و فعلاً در معنی چهارپا به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۶۹۴).

ساختمان‌هایی با کاربری موقت اعمال نمی‌شود. باوجوداین، دربارهٔ تعریف بنا بین حقوق‌دانان در فرانسه اختلاف نظر وجود دارد (Viney, Jourdain, 1988, p.685).

عرفاً ساختمان، مجموعه‌ای از مصالح است که به دست بشر ساخته شده باشد و پیوستگی پایداری را فراهم کند؛ منوط به اینکه ملحق به خاک یا غیرمنقول طبیعی، یعنی زمین، باشد و صرف‌نظر از اینکه روی زمین یا داخل و یا زیرزمین بنا شده باشد (Hocquet-Berg, 2004, p.7). با اینکه مفهوم ساختمان در عرف روشن است، اما در خصوص مصادیق آن در حقوق فرانسه اختلاف نظر وجود دارد و به همین دلیل رویه قضایی به تعیین دقیق آن دست زده است (Starck, 1972, p.216). تفسیر «بنای ساخته شده روی زمین»، پیچیدگی‌هایی در زمینه ابزار صنعتی دارد (Viney, Jourdain, 1988, p.685). قبل از پذیرش مسئولیت بدون تقصیر، در ماده ۱۳۸۴ همان قانون، رویه قضایی فرانسه در خصوص مسئولیت ناشی از اشیاء، با تفسیر وسیعی از واژه ساختمان، سعی بر آن داشت تا ماده ۱۳۸۶ را به اشیای بی‌جان دیگر تسری دهد. در برخی از آرا به اشیایی نظیر درخت یا حتی در یک رأی به ماشین حرارتی یک کشتی (chaudiere de bateau) واژه ساختمان اطلاق شده و به ماده ۱۳۸۶ استناد شده است. اما با پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، امروزه رویه قضایی فرانسه سعی در محدود کردن قلمرو ماده ۱۳۸۶ دارد. در نتیجه، امروزه، واژه ساختمان به معنای غیرمنقول نیست؛ از میان انواع اموال غیرمنقول، فقط آنچه عرفاً به معنای ساختمان است، مشمول ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه می‌باشد (Viney, Jourdain, 1998, p.761-762) و مسئولیت مدنی ناشی از بقیه اشیاء، خواه منقول خواه غیرمنقول، در قلمرو ماده ۱۳۸۴ همان قانون خواهد بود.

بنابراین، در تعیین معنای واژه ساختمان این نکات ضروری است:

الف) برای تحقق مفهوم ساختمان، عرفاً یک ساخت (La construction) لازم است. یعنی باید چیزی دست‌ساز بشر باشد؛ بنابراین، فرو افتادن صخره بر روی زمین یا ناهمواری و لغزندگی سطح زمین از دایره شمول مفهوم خرابی ناشی از ساختمان بیرون است (Weill, Terré, 1975, p.762).

ب) این ساختمان باید واقعاً غیرمنقول باشد؛ بنابراین، اتاقک چوبی و موقتی (La baraquement) یا پرچین برپا شده از چوب و گل (La palissade) به معنای ساختمان نیست. ساختمان باید ملحق و ساخته شده بر روی زمین یا در زمین (La construction incorporée au sol) باشد (یزدانیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۷۵). این غیرمنقول باید طبیعی (Les immeubles par nature) باشد؛ وگرنه غیرمنقول حکمی (Les immeubles par destination)، مشمول واژه ساختمان نیست. غیرمنقول حکمی، مالی است که ذاتاً منقول بوده، ولی بنا به مصالحی قانون‌گذار آن مال را در حکم غیرمنقول دانسته است (Weill, Terré, 1975, p.762-763).

نمونه‌ای از مال غیرمنقول حکمی در ماده ۱۷ قانون مدنی آمده است. در حقوق فرانسه نیز ماده ۵۲۲ قانون مدنی (حیوانات اختصاص یافته به کشاورزی و زراعت) و ماده ۵۲۴ قانون مدنی (وسایل اختصاص یافته برای خدمات انفجار و دیگر خدمات مربوط به ساختمان) به نمونه‌هایی از غیرمنقول حکمی اشاره داشته‌اند.

ج) به نظر برخی، ساختمان باید عرفاً به مجموعه‌ای از مصالح ساختمانی، مانند سیمان و آجر و سنگ و چوب و غیره، اطلاق گردد (Ibid, p.762)؛ صرف‌نظر از اینکه این ساختمان برای چه هدفی استفاده می‌شود، زیرا همان‌گونه که اشاره شد، نوع استفاده، از قبیل سکونت، انبار و غیره تأثیری در این مفهوم ندارد. همچنان که مهم نیست ساختمان روی زمین یا در داخل زمین بنا شده باشد (Viney, Jourdain, 1998, p.685).

د) شرطی که در برخی از آرای دیوان عالی فرانسه دیده می‌شود، این است که ساختمان باید به پایان رسیده باشد و ساختمان در حال احداث، مشمول عبارت ساختمان نیست. برخی نویسندگان فرانسوی از این شرط انتقاد کرده‌اند. به نظر آن‌ها، این راه‌حل غیرمنطقی است، زیرا ساختمانی که بد بنا شده نیز گاه قبل از اتمام، فروریخته و سبب خسارت شده است. به نظر می‌رسد از یک منظر، همه این شروط در راستای محدود نمودن ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه است. گفتنی است، تفسیر مضیق این ماده مورد تأیید حقوق دانان بوده، در سیستم حقوقی این کشور اشکالی ندارد (Mazeaud, 1978, p.588)؛ زیرا با تفسیر مضیق ساختمان، خسارت ناشی از ساختمان به‌عنوان یک شیء خاص در حیطه ماده ۱۳۸۶ قرار گرفته، خسارت ناشی از اشیای دیگر، خواه منقول و خواه غیرمنقول، تحت شمول ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه خواهد بود. به عبارتی، تفسیر مضیق ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، در نظام حقوقی آن کشور امری ضروری است؛ چراکه اگر ماده یادشده تفسیر موسع شده بود، هر شیء به‌عنوان ساختمان تلقی شده، مشمول ماده ۱۳۸۶ می‌شد و درعمل بین دو نص ماده ۱۳۸۶ (مسئولیت ناشی از ساختمان) و ماده ۱۳۸۴ (مسئولیت ناشی از اشیا) تداخل پیش می‌آمد. بنابراین، از میان اشیا، فقط ساختمان مشمول ماده ۱۳۸۶ شده، دیگر اشیا تحت شمول ماده ۱۳۸۴ قرار می‌گیرد که این نحوه تفسیر به قول برخی از نویسندگان از نسخ عملی و متروک شدن ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه جلوگیری می‌کند. همچنان که نگاهی به نحوه برخورد رویه قضایی فرانسه، این شیوه از استدلال و تفسیر را تأیید می‌نماید (Viney, Jourdain, 1998, p.685). برابر نظر برخی، باوجود تفسیر محدود ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، تمام اموال منقول و غیرمنقول که در ساختمان به‌کار رفته و جزئی از بناست، ساختمان تلقی شده است.

قانون مدنی ایران در ماده ۳۳۳، واژه عمارت را به‌کار برده که این واژه مترادف با ساختمان به معنای اخص است؛ یعنی بنایی که برای سکونت یا کار استفاده می‌شود. ساختمان در معنای

اعم، به معنی چیزی است که ساخته شده است. این ماده بدون تعریفی از عمارت، مصادیقی از آن را به طور تمثیلی ذکر کرده است. در حقوق ایران، با نبود یک نص کلی در خصوص مسئولیت ناشی از اشیا تا جایی که عرف اجازه دهد، می‌توان مفهوم وسیعی از ساختمان را در ماده ۳۳۳ قانون مدنی در نظر گرفت. اگر مالک از انحراف دیوار آگاه شود و به اصلاح آن اعتنا نکند، با این عذر که سبب خرابی را دیگری فراهم کرده است، از ضمان ناشی از خرابی دیوار مصون نمی‌ماند، زیرا کاهلی در جلوگیری از خطر نیز برای مالک تقصیری ضمان‌آور است و همین بی‌مبالاتی مبنای مسئولیت می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۷۴).

به موجب مواد ۵۱۷ و ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی، اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است، بنایی را به نحو غیرمجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکردن نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت شود، ضامن است و اگر خسارت مستند به اشخاصی غیر از مالک شود، مانند مهندسان ذی‌ربط ساختمان، ضمان از مالک منتفی و برعهده کسی قرار می‌گیرد که عمل یادشده مستند به اوست. اگر احداث بنا یا دیوار با رعایت اصول در استحکام بنا و ایمنی باشد، اما به علت عوامل قهری، مثل سیل یا زلزله سقوط کند و موجب آسیب شود، آن شخص ضامن نیست.

شیء ساکن و متحرک^۱ (La chose interte et la chose en mouvement)

دادگاه‌های فرانسه در اعمال بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی و مسئولیت مدنی ناشی از اشیا، بین اشیای ساکن و متحرک تمایز در نظر نمی‌گیرند. با توجه به عنصر فعال بودن شیء در بروز زیان، ممکن است این تصور پیش آید که چنین وصفی ناظر به حالت حرکت شیء است و در صورت توقف و ثابت بودن شیء و بروز زیان، نمی‌توان به عنصر یادشده متوسل شد؛ در نتیجه، رابطه سببیت بین وسیله و ضرر را احراز نکرد. اما این دیدگاه با واقعیت خارجی انطباقی ندارد، زیرا ضرر در موارد متعددی از وسیله نقلیه حادث می‌شود. حتی در مصادیقی مدت توقف یا میزان حرکت در لحظه‌ای که حادثه روی می‌دهد، مؤثر است، یا در مواردی با آنکه شیء حسب طبیعت خود متحرک است، اما زمانی ضرر ایجاد می‌شود که شیء متوقف است. برای مثال، راننده خودرویی که با ملاحظه چراغ راهنمایی عبور عابران، ناگهان در وسط محل خط‌کشی

۱. ساکن واژه‌ای عربی و اسم است و در این معانی به کار رفته است: ۱. ساکن؛ جمع: ساکنان، ساکنون ۲. آرام، بی‌حرکت ۳. (الکتریسیته) ساکن (قیم، ۱۳۸۵، ص ۵۶۹). متحرک واژه‌ای عربی و اسم است و عبارت است از: اسم فاعل تحرک، حرکت‌کننده، جنبنده، متحرک (همان، ص ۹۱۵).

شده متوقف می‌شود و با فردی که با شتاب در حال عبور از خط عابر پیاده است و با توقف خودرو غافلگیر می‌شود، برخورد می‌کند و به وی آسیب می‌زند. در این فرض نمی‌توان نقش خودرو را در ایجاد حادثه و ورود زیان نفی کرد، زیرا با توقف ناگهانی این وسیله و مسدود نمودن راه عبور عابران، آن‌هم در محل خط‌کشی عابران، ضرر به فعل چنین وسیله‌ای نسبت داده می‌شود؛ هرچند که وسیله هنگام بروز زیان متوقف است. پس به‌نظر می‌رسد، توقف وسیله نقلیه موتوری به معنای نفی نقش فعال آن در ورود زیان نیست، بلکه در هر مورد باید نقش چنین وسایلی را در ایجاد ضرر به‌خوبی بررسی کرد و با دیدگاه کارشناسی در خصوص تأثیر داشتن یا نداشتن وسیله در ورود ضرر، اظهارنظر کرد. از طرف دیگر، در مواردی با آنکه شیء متحرک است، اما نقش پدیدآورنده و فعال در ایجاد ضرر ندارد. برای مثال، وسیله نقلیه‌ای که با سرعت مجاز در حال حرکت است، ناگهان با موتوری روبرو می‌شود که به علت انحراف و یا سرعت زیاد که قادر به کنترل آن نیست، با چنین خودرویی برخورد می‌کند و به موتورسوار آسیب وارد می‌آید. در این حالت، وسیله نقلیه متحرک است و ضرر در اثر برخورد موتور به آن ایجاد شده است، اما وسیله نقلیه پدیدآورنده زیان نیست (نقیب، ۱۹۸۵، ص ۱۵۳-۱۵۲).

به‌موجب رأی شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۱ ژوئن ۱۹۹۵، شیء ساکن تنها در صورتی ممکن است وسیله خسارت باشد که ثابت شود وضعیتی غیرعادی یا نامناسب داشته است. در شیشه‌ای یک شیء «ساکن» است و معمولاً رویه بر این است که در این حالت، زیان دیده باید ثابت کند که شیء «کنش مثبت» داشته است؛ یعنی وی باید وجود یک عیب یا وضعیت غیرعادی شیء را به اثبات برساند. دیوان عالی کشور استدلال می‌کند در شیشه‌ای یک شیء در حال حرکت بوده است؛ اگر شیء در حال حرکت باشد، زیان دیده تنها باید ثابت کند که شیء در تحقق خسارت، دخالت مادی داشته است. در این صورت فرض بر این خواهد بود که شیء نقش زیان‌بار «مثبت» ایفا کرده است (ژوردن، ۱۳۸۶، ص ۳۷۴-۳۷۵). در توجیه آن می‌توان به رأی شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه مورخ ۳ نوامبر ۱۹۹۴ اشاره کرد: «یک آهن ده سانتی‌متری که بر روی زمین و در یک راه خصوصی نصب شده باشد، اما آن راه در امتداد یک راه روستایی باشد که موتورسیکلت‌ها از آن عبور می‌کنند یک وضعیت خطرناک ایجاد می‌کند و هرچند که ساکن بوده، اما توانسته است در ایجاد حادثه نقش سببی ایفا کند».

بعضی از حقوق‌دانان بین سکون و ثابت بودن شیء، ارتباط برقرار می‌کنند و معتقدند شیء، هنگامی ساکن شمرده می‌شود که در زمان وقوع حادثه، ثابت باشد؛ به این معنا که هیچ‌گونه حرکت و فعالیت نداشته باشد. براین اساس، با آنکه خودرو اساساً وسیله متحرک است و صفت بارز آن عنصر حرکت است، اگر خودرو در زمانی که حادثه زیان‌بار به وقوع می‌پیوندد، در حالت

ثابت باشد، یک شیء ساکن شمرده می‌شود. برای مثال، اگر خودرویی متوقف باشد و خودروی دیگری با آن برخورد نماید، خودروی متوقف ساکن است. در موردی که وسیله هنگام ورود زیان در حالت غیرعادی و نامتعارف باشد، هر چند که طبیعت شیء سکون و عدم تحرک است، اما با توجه به نقشی که در بروز زیان دارد، فعال و متحرک شمرده می‌شود (دسوقی، ۱۹۷۵، ص ۴۶۱-۴۶۲). برخی معتقدند در این حالت، شیء پدیدآورنده ضرر است و به علت وضع استثنایی آن (خارج از حالت متعارف بودن)، منشأ ضرر محسوب می‌شود. با این وصف، اگر شیء ساکن در حالت طبیعی باشد، به نظر نمی‌رسد در پدید آوردن ضرر، عامل و فاعل به‌شمار آید، زیرا شرایط شیء در این حالت با پدید آوردن ضرر تناسبی ندارد. به همین علت، نقش این وسیله، غیرفعال در نظر گرفته می‌شود. این توجیه ناشی از واقعیت و تأکید حکم منطقی بر این مورد و ترتب حکم مسئولیت بر شیء ساکن منوط به داشتن وضعیت استثنایی و غیرمتعارف است (نقیب، ۱۹۸۵، ص ۱۵۵). این مطلب در خصوص شیء در حال حرکت نیز صادق است. این شیء، در طبیعت خود متحرک است و تصور غیرعادی و غیرمتعارف در آن از هر جهت میسر می‌باشد. به همین اعتبار در صورت بروز حادثه از شیء ذاتاً متحرک، فرض می‌شود که منبع ضرر می‌باشد. با این حال، حتی در این گونه اشیا باید نقش و دخالت آن‌ها در بروز زیان و شرایط ایجاد خسارت بررسی شود. برای مثال، در صورتی که حادثه ناشی از خودرویی باشد، ضروری است که در زمان بروز حادثه، شرایط خودرو، مسیر حرکت خودرو و یا توقف آن به صورت مناسب و یا نامناسب لحاظ شود. اگر در این قبیل موارد حرکت به صورت طبیعی و متعارف باشد و با این وصف ضرری حادث گردد، نقش وسیله موتوری غیرفعال است، اما اگر این وسیله در مسیری غیرمجاز تردد کند و یا مالک خودرو آن را در مکان نامناسب (اعم از ممنوع و یا محل مجاز به نحوی که مانع حرکت دیگر خودروها شود و یا دید دیگر راننده را محدود نماید) متوقف نماید، در صورت حدوث ضرر، وسیله یادشده نقش زمینه‌ساز (فعال) را در حادثه خواهد داشت (عامر، ۱۹۷۹، ص ۳۷۰).

نقش فعال یک شیء در وقوع ضرر و تحقق مسئولیت، با سکون یا تحرک آن شیء در لحظه وقوع خسارت، ارتباط مستقیم ندارد. چه بسا یک شیء ساکن که در وقوع زیان فعال باشد، دارنده آن مسئول شناخته شود و از طرفی شیء دیگر که متحرک است، ولی نقش فعال در حدوث زیان ندارد، ایجاد مسئولیت نکند. بنابراین تفکیک بین اشیای متحرک و ساکن و فرض مسئولیت برای اشیای متحرک چندان کارآمد نیست، بلکه در هر حالت (سکون یا حرکت شیء) بر نقش فعال و دخالت شیء در ورود زیان تأکید می‌شود. اگر این عنصر احراز گردد، حکم مسئولیت مترتب می‌شود. در غیر این صورت، صدور حکم بر براءت نگهدارنده ضروری است. قاضی باید در هر مورد با لحاظ شرایط حاکم بر حادثه و نقشی که وسیله موتوری و زیان‌دیده

در بروز حادثه داشته‌اند، نسبت به صدور حکم شایسته اقدام نماید (دسوقی، ۱۹۷۵، ص ۴۷۱-۴۶۸).

در حقوق داخلی، هرچند موضع قانون‌گذار و رویه قضایی در این قسمت مشخص نیست، رأی صادره از دادگاه بدوی کرمانشاه که به موجب دادنامه شماره ۱۱۲۴-۸۷/۱۰/۲۸ شعبه نهم دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است، نمونه عملی و عینی از مسئولیت مدنی ناشی از اشیای ساکن و بررسی عنصر دخالت در آن است. راننده‌ای بر اثر برخورد با تیر برق نصب‌شده در مسیر تردد وسائل نقلیه، متحمل آسیب جسمی و خسارت مالی شده است. به همین علت، دعوی به طرفیت اداره برق کرمانشاه طرح گردیده و تقاضای مطالبه خسارت شده است. در این دعوا، دادگاه بدوی و تجدیدنظر با تمسک به مبنای مسئولیت مدنی اشیای بی‌جان، دست به تحلیل قضیه زده، درنهایت، با احراز نشدن نقش پدیدآورنده شیء در بروز خسارت، خواهان را به‌طور قطعی محکوم به بی‌حقی نموده‌اند. دادگاه بدوی با تکیه بر «عنصر فعال» و همچنین «سبب پدیدآورنده» یا «وسيلة» خسارت بودن شیء و بیان این مطلب که تیر برق (به علت ساکن بودن) فاقد چنین وصفی بوده و در نتیجه هیچ رابطه سببیتی بین شیء و خسارت نبوده است و بنابراین مسئولیتی متوجه مالک یا متولی دولتی نیست، خواهان را محکوم به بی‌حقی نموده است. هرچند دقت نظر دادگاه بدوی در نقش ایجادکننده شیء و توصیف آن درخور تقدیر است، اما ظاهراً از دید دادرس، شیء ساکن، همیشه نقش انفعالی دارد. اما این مطلب در همه موارد صحیح نیست و همان‌طور که بیان گردید، دادگاه باید در هر موردی، قطع نظر از سکون و یا حرکت شیء، نقش فعال شیء را در وقوع خسارت دقیقاً بررسی کند؛ به‌خصوص آنکه نماینده قضایی اداره مربوطه اعلام می‌دارد، تیر برق چند سال قبل از تعریض و پهن کردن جاده نصب شده است. این امر، بیانگر آن است که با توجه به تعریض جاده، ضرورت داشت نسبت به تغییر موقعیت مکانی تیر برق اقدام شود و این وظیفه اداره برق بوده است که در این قسمت اموری متناسب با تغییرات جدید انجام دهد، اما در این خصوص اقدامی به‌عمل نیاورده است. پس همین ترک فعل و قرار گرفتن تیر برق در مکان نامناسب، نقش چنین شیئی را از حالت انفعالی خارج می‌کند و درحقیقت این شیء مقتضی تشدید خسارت را فراهم کرده است. بنابراین با پذیرش بی‌احتیاطی راننده خودروی یادشده (با استناد به نظریه هیئت کارشناسی)، موضوع باید در قالب تقصیر زیان‌دیده و فعل دیگری بررسی شود و نسبت به تقسیم خسارت به کیفیتی که هیئت کارشناسی در نظریه اولیه خود اعلام کرده‌اند، اظهار نظر گردد (غلامعلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴).

عدم لزوم کنترل شیء از سوی انسان (La chose conduit par l'homme)

شیء هنگامی کنترل شده از سوی انسان شمرده می‌شود که تحت اداره و هدایت انسان عمل کند. در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا و اعمال بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، فرقی میان اینکه شیء از جانب انسان کنترل شده یا نشده باشد، نیست. به این ترتیب، برای تحقق مسئولیت ضرورتی ندارد فعل اشیا تحت اداره و هدایت انسان بوده باشد. همین که ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد، چه زیان حاصل ناشی از فعل شیئی باشد که با فعل انسان عمل نموده است و چه بدون اعمال فعل انسان باشد، ایجاد مسئولیت می‌کند. همچنین در مسئولیت ناشی از فعل حیوانات و ماده ۱۳۸۵ همان قانون در ایجاد مسئولیت نگهدارنده، فرقی ندارد حیوان از جانب انسان به حرکت درآمده باشد یا خیر (Viney, Jourdain, 1988, p.609-610).

در رویه قضایی کشور فرانسه نیز همین مطلب صادق است؛ از جمله می‌توان به رای صادر شده از شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۴ اشاره کرد که در اعمال بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، بین اینکه شیء از سوی انسان به حرکت درآمده باشد یا نه، تفکیکی قائل نشده (اعمال در خصوص زخم ایجاد شده بر اثر ضربه چنگک) (ژوردن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸) و رویه قضایی به هیچ وجه نپذیرفته است که میان فعل مستقل شیء (مانند دستگاهی که منفجر می‌شود) و فعل شیئی که از سوی انسان به کار انداخته شده است (مثل گلوله شلیک شده تفنگ) تفکیک قائل شود. دیوان عالی کشور فرانسه در پرونده مشهور به ژاندور ضرورتی درباره اینکه اشیا و حیوانات از جانب انسان کنترل شوند، قائل نشد. به عبارت دیگر، حتی اگر شیء از سوی انسان هم کنترل و اداره نشده باشد، می‌تواند موجب مسئولیت کسانی شود که آن‌ها را در اختیار دارند. در پرونده پیش گفته، کامیونی کودکی را واژگون و زخمی کرد. مادر کودک با استناد به بند ۱ ماده ۱۳۸۴، از نگهدارنده کامیون مطالبه خسارت کرد. دادگاه تجدیدنظر بسانسون (Besanson) از اعمال قانون با این درخواست به دلیل اینکه شیء در لحظه خسارت «با دست انسان عمل کرده است» خودداری، و استدلال کرد که تنها ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی که درباره افعال انسان است، می‌تواند اعمال شود. شعبات تشکیل شده در ۱۳ فوریه ۱۹۳۰، تأیید کردند در استناد به بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، ضرورتی ندارد شیء از سوی انسان به حرکت درآمده باشد (Cathelineau, 2013, p.8-10) و به این ترتیب در رویه قضایی، این اصل مسئولیت مدنی ناشی از اشیا معرفی شده است. در نهایت بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، در حوادث رانندگی و در خصوص همه اشیا اعمال گردید. فرض اولیه مسئولیت بر مبنای این بند در خصوص اشیای بی‌جان تحت نگهداری انسان به دلیل خساراتی که به دیگری

می‌زند، با اثبات قوه قاهره و سبب خارجی غیرقابل انتساب به وی و تحقق نیافتن مسئولیت دارنده، منتفی نمی‌شود (Ibid, p.11).

در حقوق ایران، در رویه قضایی، دادگاه‌ها در صدور احکام مسئولیت، به ارکان مسئولیت مدنی و شرایط وقوع ضرر توجه خاصی دارند. اگر شیء موجب خسارت از سوی انسان اداره و هدایت شده باشد یا فعل شیء بدون مداخله فعل انسان موجب خسارت شود، دادگاه‌ها حکم به جبران خسارت خواهند داد، زیرا اصل ۱۶۷ و ۴۰ قانون اساسی، مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و نیز اصول حقوقی، از جمله اصل لاضرر و لاضرار فی الاسلام و لزوم جبران کامل زیان، در توجیه این موضوع است که زیان حاصل باید جبران شود و هدایت و اداره انسان در ایجاد فعل زیان‌بار ناشی از شیء، شرط جبران خسارت مقرر نشده است. ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد، حمل‌کننده ضامن دیه است»، مؤید این مطلب است. براین اساس، حقوق ایران نیز به صراحت بر این موضوع تأکید کرده است.

نتیجه

فعل اشیا در کنار فعل اشخاص مسئولیت‌آور است. در لزوم جبران کامل خسارت تردیدی نیست. دارا یا نگهدار بودن شیء می‌تواند شخص را در معرض مسئولیت قرار دهد. مسئولیت مدنی ناشی از اشیا در طول زمان مورد توجه و گسترش قرار گرفت، از این رو مطالعه اوصاف اشیا در ایجاد مسئولیت، دارای اهمیت است. در زمان تصویب قانون مدنی فرانسه (سال ۱۸۰۴)، قانون‌گذار فقط به دو گونه اشیا، یعنی حیوانات (۱۳۸۵) و ساختمان‌ها (۱۳۸۶)، به علت گستردگی خسارات جانی آن‌ها توجه نمود و مسئولیت ناشی از فعل اشیا را در بند ۱ ماده ۱۳۸۴ گنجانده. در حقوق ایران، قانون‌گذار در مواد ۳۳۴ و ۳۳۳ قانون مدنی به مسئولیت ناشی از حیوانات و ساختمان‌ها پرداخته است. بیان اوصاف اشیا در شناخت بهتر مسئولیت می‌تواند مؤثر باشد. در طول سال‌ها، در حقوق کشورها، آرای قضایی و دکترین، تمایز میان اشیای جان‌دار و بی‌جان، خطرناک و غیرخطرناک، ساکن و متحرک، منقول و غیرمنقول را در ایجاد مسئولیت ناشی از فعل شیء مطرح کرده‌اند که با مطالعه دقیق آن، حقوق‌دانان پذیرفتند در ایجاد مسئولیت ناشی از فعل اشیا، این تمایز اهمیت و تأثیری ندارد و لزومی ندارد شیء از جانب انسان هدایت و اداره شده باشد. انتظار می‌رود این مطالعه مقدمه‌ای باشد برای استخراج سایر قواعد در حقوق مسئولیت مدنی، تا در موارد تردیدآمیز با مراجعه به این قواعد و اصول کلی، جبران کامل خسارات بهتر تأمین شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، وقایع حقوقی، جلد ۱، چاپ ۱، تهران، نشر میزان.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۱۱، انتشارات گنج دانش، تهران.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد ۴، چاپ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، مترجم مجید ادیب، چاپ ۲، تهران، نشر میزان.
۵. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶)، تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، مترجم مجید ادیب، چاپ ۱، تهران، انتشارات میزان.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات حقوقی (حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق کیفری)، چاپ ۱، تهران، نشر حقوقدان.
۷. عباسلو، بختیار (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۸. غلامعلی زاده، محمد (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی ناشی از وسایل موتوری، چاپ ۱، تهران، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۹. قییم، عبدالنبی (۱۳۸۵)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ ۵، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، جنیدی، لعیا، غمامی، مجید، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، چاپ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، چاپ ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۶)، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ ۲، تهران، انتشارات اندیشه های نو در علوم اسلامی.
۱۴. نظری، ایراندخت (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی مالک، چاپ ۱، تهران، انتشارات جنگل.
۱۵. نوری، محمد علی (۱۳۸۰)، عقود و تعهدات قراردادی به طور کلی و الزامات بدون قرارداد از

- قانون مدنی فرانسه، چاپ ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۶. یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، قلمرو مسئولیت مدنی، چاپ ۱، تهران، ناشر ادبستان.
۱۷. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۲)، درس هایی از حقوق مدنی تطبیقی، مطالعات تطبیقی در حقوق تعهدات، جلد ۱، چاپ ۱، تهران، نشر میزان.
۱۸. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۷)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی مالک ساختمان در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، ص ۳۵۷-۳۹۳.
۱۹. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴، ص ۲۴۹-۲۶۸.

ب) خارجی

۲۰. افریقی، ابن منظور (۱۴۰۷ق)، لسان العرب، جلد ۱۲، چاپ ۱۲، بیروت، دار صادر.
۲۱. دسوقی، محمد ابراهیم (۱۹۷۵)، الاعفاء من المسئولیه عن حوادث السيارات، قاهره، دادالنهضه العربیه.
۲۲. نقیب، عاطف (۱۹۸۵)، النظریه العامه للمسئولیه الناشئه عن الفعل الاشیا، الخطا و الضرر، چاپ ۲، بیروت، منشورات عویدات.
۲۳. عامر، حسین و عبدالرحیم (۱۹۷۹)، المسئولیه المدنیه التقصیریه و العقدیه، چاپ ۲، مصر، دارالمعارف.
۲۴. ناجی، غازی عبدالرحمن (۱۹۸۱)، المسئولیه عن الاشیا غیر الحیه و تطبیقاتها القضائیه، مجله العداله، العدد الثانی، بغداد، السنه السابعه.
25. Baudouin, Jean-lowis, (1997), La responsabilité civile delictuelle, Des obligations, actes et responsabilités, Montreal. 4^é.éd. Tancelin.,
26. Cathelineau, Anne, (2013), Principe général responsabilité du fait des choses, Maitre de conférences à l' université de la Rochelle, 14, Aout.
27. Carbonnier, Jean, (1998), Droit civil, Les obligations, Tome 4, 21^é. éd. Presses universitaires de France.
28. Chabas, Francois, (1995), Les accidents de la circulation, Dalloz.
29. Flour, Aubert. Jacques, Jean, (1997), Droit civil, les obligations, vol. 2, T. 2. Le fait juridique: Armand Colin, 7^é.éd.
30. Frizzi, Géraldine, (2006), Transport terrestre , La responsabilité du transporteur interne devoyageurs et de bagages, Juris Classeur responsabilité civile et assurances. Fasc.
31. Groutel, Hubert, (1998), Les rapports de l' article 1386 et l' article 1384, alinéa

- 1 er du Code civile: 10 ans de jurisprudence commentée, Responsabilité civile et assurances, horsseriesiedec, chron.
32. Hocquet-Berg, Sophie, (2003), Gardien cherche force majeure...desesperement...:Responsabilité civile et assurances, chron,12.
 33. Hocquet-Berg, Sophie, (2004), Droit réparation, responsabilité du fait des batiments. Juris Classeur responsabilité civile et assurances.
 34. Hourdeau-Bodin, Stephanie, (2013), Droit réparation, responsabilité du fait des choses, intervention de la chose, Maitre de conférences, Université de la Rochelle, centred études Juridiques et politiques, Cejep, 2 Septembre.
 35. Jourdain, Patrice, (1991), Le corps humain peutetreune chose au sens de l'article 1384, alinéa 1er.
 36. Josserand, (1930), Le travail de refoulment de la responsabilité du fait des choses inanimees: DH.
 37. Mazeaud, Henri, Léon, Jean, (1978), Lecons de droit civile, obligations. T2.6é.éd. Montchrestien.
 38. Mazeaud, Henri, Léon, (1949), Traité théorique et pratique de la responsabilité civile.Tome 2.4é.éd.Sirey.
 39. Prosser, Williaml, (1971), The law of torts, 4e.ed. west publishing co.
 40. Starck, Boris, (1972), Droit civil obligations,1é. éd. Librairie techniques. Paris.
 41. Viney, Geneviève, Jourdain, Patrice, (1998), Traité de droit civil. Les conditions de la responsabilité. 2é.éd, Librairie générale de droit et de jurisprudence.
 42. Viney, Geneviève, (1988), Traité de droit civil, les conditions de la responsabilité, 2é.éd.
 43. weill, Alex, Terré, Francois, (1975), Droit civil, les obligations. 2é. éd. Dalloz.